بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

# اشاره

**آیه با حب و بغض چه ارتباطی پیدا کرد و بحث در محور اول، حسن و سوءظن بود و در محور دوم در روابط اجتماعی حب و بغض بود. آیه شریفه اشاره به حب و بغض دارد، آنچه که در این آیه هست اخبار و انشای اخوت بود که اخوتی بر پایه مبادی اعتقادی وجود دارد و تأکید هم می‌کند که لوازم و اقتضائات آن را رعایت کنید.**

# رابطه اخوت با محبت و مودت

**وقتی که بر اخوت تأکید می‌شود یکی از ابعاد و اضلاع اخوت قطعاً درجه معمولی و خفیف از محبت وجود دارد. وقتی می‌گوید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[1]](#footnote-1) **به نوعی اخوت و برادری را فرامی‌خواند و در آن مقوله محبت متقابل هم وجود دارد و وقتی چنین می‌گوید نمی‌توان گفت که کاری به محبت و دوستی و علاقه بر پایه روابط اسلامی ندارد؛ زیرا ارتکازات و فهم لغوی چنین می‌داند؛ وقتی می‌گوید که برادر و خواهر هستند؛ یعنی نوعی عواطف مثبت به هم دارند که همان علائق قلبی است و تفکیک از آن شاید معقول نباشد، از لحاظ عقلی در اخوت ولادی یا روایی و نسبی و رضاعی وجود دارد اما ممکن است که این اخوه با هم هیچ علاقه‌ای نداشته باشند. اخوت‌های تکوینی و ولادی و نسبی و رضاعی ممکن است باشد ولی هیچ علاقه‌ای نداشته باشند؛ اخوت‌های سرزمینی و جغرافیایی ممکن است باشد؛ ولی علاقه و محبت در کار نباشد.**

# دلالت مطابقی و تضمنی مفهوم اخوت

**پس مفهوم اخوت به نحو مطابقی و تضمنی در آن محبت نیست؛ به لحاظ لغوی مفهوم اخوت مشتمل بر محبت و مودت نیست نه مطابقی؛ چراکه اخوت یعنی:** «الاشتراک فی الآباء و الامهات؛ الاشتراک فی الاصل» **دو یا سه نفر در یک اصلی شریک باشند و اصل گاهی تولد از پدر و مادر است یا اصل به معنای شیر خوردن از مادر یا یک زن مشترک است یا اینکه در یک منطقه متولد شده باشند؛ بنابراین، اصل‌های مختلف اخوه‌های مختلف را به‌وجود می‌آورد؛ ولی معنای اصلی مشترک در همه عبارت «الاشتراک فی اصل» است که در موضوع‌له به نحو تضمنی و مطابقی محبت و مودت وجود ندارد.**

# دلالت التزامی مفهوم اخوت

**سه مدلول التزامی هم نیست، یعنی التزامی به معنای عام که هر جا اخوت هست، مدلول التزامی مودت و محبت هم وجود دارد، این‌طور نیست؛ زیرا انواع اخوت‌ها را می‌بینیم که اخوت وجود دارد؛ ولی علاقه و مودت نیست. گاهی دشمنی وجود دارد ولی اخوت باقی است همه از یک منطقه هستند درحالی‌که دشمن هم هستند.**

**بنابراین، مودت و محبت که موضوع بحث هستند نه در مفهوم اخوت به لحاظ مطابقی و تضمنی وجود دارد نه از مدالیل التزامی مستمر دائمی آن است.**

**پس رابطه حب و ود با اخوت رابطه مدلول مطابقی، تضمنی و دائمی نیست. این 3 احتمال کنار می‌رود و قاعده کلی را نمی‌پذیرفتیم که اگر اخوت به لحاظ تکوینی در جایی باشد مستلزم مودت در مفهوم آن باشد این در صورتی است اخوت را به عنوان پدیده تکوینی خارجی و جمله خبریه در نظر بگیریم؛ اما اگر جمله را انشائیه فرض کنیم یا شامل انشا بدانیم و اخوت اعتقادی و فرهنگی بر پایه اشتراک در مبانی فکری را بدانیم، به دلیل این دو قرینه حب و ود در دایره مدلول التزامی قرار می‌گیرد و در شعاع اخوت قرار می‌گیرد.**

**اخوت در فضای آیه شریفه دو نکته دارد: یک اینکه اخوت بر پایه فکر و فرهنگ است و دیگر آنکه آیه به نحوی (مستقلاً یا ضمنی یا التزامی) انشائی را شامل می شود.**

**با این فرض اخوت یک مفهوم ود و محبت هم می‌گیرد که رعایت به معنای اقتضای در اشتراکات در اصل اعتقادی و فرهنگی است. عرف اولین اقتضای آن را وجود علاقه فی جمله بین آن‌ها می‌داند. البته احتمالی هم وجود دارد که رعایت اخوت یعنی اینکه رعایت ادب و احترام را در مقام معاشرت باید عنوان کرد و کاری به امر قلبی ندارد. ولی احتمال اول فی حد نفسه ظاهراً اقوی است، یعنی رعایت اخوت ایمانی، اولین بروز آن بروزات قلبی و درونی است.**

**سؤال: ... .**

**جواب: کمالات هم می‌تواند باشد ولی التزام نمی‌تواند باشد قطعاً؛ ممکن است بگوییم که حتی الزام هم ادنی درجه آن است چراکه قوام آن حقوق به ادنی درجه‌ای از مودت وابسته است که این احتمال بعیدی است. احتمال دیگر آنکه اخوه به معنای رعایت اقتضائات برادری است که همان رفتارهای خارجی در تعامل‌ها است و امور قلبی بیرون از آن است.**

**سؤال: ... .**

**جواب: ولی ترجیح می‌دهم که اخوت با دو قرینه موجود در آیه، مدلولی به نحو مصداق یا دلالت التزامی نسبت به حب و ود دارد. البته محبت و مودت و دوستی الزامی منظور نیست بلکه به نحو راجح از خود آیه استفاده می شود.**

**سؤال: ... .**

**جواب: حتی در آن شرایط او دارد به خود حق می‌دهد و دعوا می‌کند ولی دارای مودت است و لذا رحمت للعالمین، پیامبر اکرم (ص) که مظهر مودت و محبت و رحمت بود به معنای این نیست که همیشه گل و بلبل می‌گفت نه خیلی وقت‌ها هم شمشیر می‌کشید؛ حتی وقتی هم می‌شد که کسی را می‌کشت ولی او را دوست داشت. فلذا محبت و مودت عامه در آیه وجود دارد که به نحو الزام هم نیست.**

**اگر مودت خاصه را هم قصد کنیم می‌توان گفت که اگر کسی بدعت گذاشت مورد استثنائی است و ادله روایات او را از جبهه اخوت خارج می‌کند. پس بعید نیست که بگوییم محبت و مودت حتی خاصه آن نیز به نحو غیر الزامی در خود آیه وجود دارد حتی اگر روایتی هم نداشته باشیم.**

# دومین آیه اخوت

**آیه دوم در بحث اخوه آیه 103 سوره آل‌عمران است:**

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَميعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى‏ شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آياتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾[[2]](#footnote-2)

**آیه شریفه می‌فرماید تمسک به حبل الله کنید و تفرق نداشته باشید و به یاد آورید این نعمت خدا را که شما مردمانی دشمن یکدیگر بودید و در جنگ و نزاع بودید و خدا قلب‌های شما را جمع کرد که همراه با علقه و عواطف هم هست و سپس برادر یکدیگر شدید.**

## نکات تفسیری اخوت

**در این آیه هم بدون اینکه به تفصیل مباحث تفسیری بپردازیم چند نکته را می‌توان مکمل آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[3]](#footnote-3) **قرار داد:**

1. ﴿فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾**؛ الف به معنای جمع کردن است (تالیف= جمع کردن) و در اینجا به معنای جمع بین قلوب آمده است. با توجه به مفهوم فَأَلَّفَ و قید بین قلوبکم، می‌توان گفت که آیه شامل عواطف مثبت و دوستی و علاقه است.**

**اگر فَأَلَّفَ تنها باشد به معنای محبت نخواهد بود و صرف جمع کردن از آن فهمیده می شود اما** ﴿فَأَلَّفَ بین قلوبکم﴾ **به معنای اجتماع قلب‌ها است که مستلزم یک نوع رابطه حب و ود و علائق ایجابی و مثبت طرفینی است. پس آیه بیانگر این است به نحو مدلول التزامی، لااقل مودت بین شما پدید آمد که جمع بین قلوب به معنای افکار مشترک و عواطف مشترک (حب متبادر) است.**

**آیه چنین بیان می‌کند که شما قبل از اسلام دشمن یکدیگر بودید به تقابل کلمه اعداء که الف شامل عواطف محبت‌آمیز است. در واقع آیه شریفه جامعه‌ای را که مسلمان نبودند و اعتقادات مشترک نداشتند و پراکنده و دشمن یکدیگر بودند را خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها را به جمع شدن و دوست داشتن همدیگر دعوت می‌کند.**

1. ﴿فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً﴾**؛ این قید تفریع اخوت بر الفت در آیه شریفه است و قرینه است که محبت در اخوت وجود دارد و تفریع نشان می‌دهد که اخوت دارای یک معنای عاطفه مثبت و محبت و مودت است. در نتیجه آیه شاهد می‎شود که ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[4]](#footnote-4) **به یک شکلی مودت و محبت را شامل می‌شود.**
2. **احتمال اینکه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ اصلا جمله اخباریه نباشد بلکه جمله انشائیه است (احتمال چهارم و پنجم بود) این آیه احتمال دوم و سوم در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ را نفی می‌کند؛ زیرا ظهور این آیه در اخبار قوی‌تر است یعنی شما دشمن بودید، خداوند شما را جمع کرد، اخوان یکدیگر قرار گرفتید.**

**البته احتمال این هم وجود دارد که بگوئید** ﴿فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾ **به معنای وضع قانون در معاشرت است و اخباری معنا نمی‌دهد و چنین احتمالی ضعیف به نظر می‌رسد.**

1. **تفریعات اخوت قبل از اخوه آمده است؛ که تفریعات اخوت بر خود اخوت در قالب انشا مقدم شده است اما در آیه قبل می‌گوید ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ جمله را متفرع می‌کند بر اصل او بین اخویکم و یکی از احکام اخوت؛ اینجا بعضی از احکام اخوت را قبل از اخوانا آورده است.**
2. **این آیه علاوه بر اینکه اخبار را در بر دارد یک مدلول التزامی انشا را هم دارد که رعایت اخوت است. شاهد آن این است که قبل از بیان اخوانا فرموده: اعتصموا، لاتفرقوا؛ بنابراین، این آیه علاوه بر اخبار، تفریعات انشای اخوت را بیان کرده است.**

**سؤال: ... .**

**جواب: آن آیه بعد است یعنی:**

﴿وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون﴾[[5]](#footnote-5)**؛ آن‌ها هم در واقع فروعات و انشعابات همین اخوت است، حتی بحث امر به معروف و نهی از منکر از فروعات اخوت است که ریشه آن از علاقه و محبت یکدیگر است و دعوت به خیر می‌کنند یکدیگر را و البته لاتفرقوا.**

1. **این نکته مربوط به هر دو آیه مورد بحث است؛ اینکه بعد از﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[6]](#footnote-6) **می‌فرماید: «أَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»[[7]](#footnote-7) که برای اصلاح بین 2 طایفه منازع، آن‌ها را اخوین خطاب می‌کند درحالی‌که در نزاع‌ها یا هر دو طرف یا حداقل یکی از آن‌ها گناهکار است زیرا دو طایفه مؤمنان که منازعه کنند 3 صورت دارند: یا هر دو حق هستند یا هر دو باطل هستند یا یکی باطل و دیگری حق است.**

**آیه شریفه تمام احتمالات را شامل می‌شود و غالباً هر دو یا یکی از آن‌ها باطل هستند بااین‌حال می‌گوید که این‌ها اخوه هستند و نشانگر آن است که اخوت اسلامی تابع استیفای جمیع شرایط ایمان و تقوا نیست که خود قرینه می‌شود بر اینکه اخوت مخصوص بین دو عالم پاک و مهذب مقصود نیست بلکه اخوت بین تمام مسلمانان حتی فساق را شامل می شود. این آیه قرینه می‌شود که اخوت اسلامی را در یک شعاع و دایره‌ای بپذیریم.**

**سؤال: ... .**

**جواب: بله یعنی می‌خواهد بگوید که اخوه چیزی است که هم را شامل شده است و همه باید به اقتضائات آن پایبند باشند (اخوه عامه).**

**آیات دیگر مانند آیه 11 سوره توبه می‌فرماید:**

﴿فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُون﴾[[8]](#footnote-8) **ملاک اخوت آن است که مسلمان شوند و به تکالیف مهم و ضروری اسلام عمل کنند، سپس اخوان در دین می‌شوند.**

**مجموعه‌ هفته آینده محل بحث، بدین صورت است.**

**کتاب بحارالانوار، ج 74، کتاب العشرة:**

* **باب 15، ابواب حقوق المومنین؛**
* **باب 16، حفظ الاخوه؛**
* **باب 17، فضل المعاهاة فی الله؛**
* **باب 18، فضل حب المومنین؛**
* **باب 19، علة حب المومنین بعضهم بعضا.**
1. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره آل‌عمران، آیه 103. [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره آل‌عمران، آیه 104. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-7)
8. -سوره توبه، آیه 11. [↑](#footnote-ref-8)